

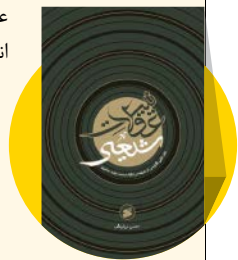
پاسخ اشکالاتی به مذهب تشیع

✚ «عقلانیت شیعی، نقد تلقی گنوسی از شیعه در نگاه محمد عابد جابری»، تألیف محسن دریاییگی، توسط شرکت چاپ و نشر بین الملل منتشر شده است.

آشنایی دریاییگی با محمد عابد الجابری به سال ۱۳۸۰ بازمی‌گردد؛ زمانی که موضوع پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود در رشته فلسفه را به یکی از متفکران عرب اختصاص داده بود تا از این پنجره با حوزه اندیشه جهان عرب آشنا شود. در بین آثار جابری پروژه نقد عقل عربی محصول تفکرات او بود. این پروژه که در چهار جلد منتشر شده (دو جلد اول، عقلانیت عربی و جلد سوم و چهارم، نقد عقل سیاسی و نقد عقل اخلاقی بود) نحوه نگاه جابری به سنت، تجدد و روش تعامل این دو برای زندگی در امروز بود. همچنین جابری در کتاب‌های «نحن و التراث» و «التراث والحداث» نگرش خود به مسأله سنت و تجدد و نحوه تعامل صحیح بین آن دو را بیان کرده است.

شیوه جابری در مقوله‌بندی اندیشه جهان عرب به روش ساختارگرایان است. وی علوم نظری جهان اسلام را به برهانی، عرفانی و بیانی فصل‌بندی می‌کند و با زوج‌های ساختاری محورهای هریک از این سه‌گونه اندیشه را برمی‌شمرد. این تقسیم‌بندی صرفاً توصیفی نیست؛ او اندیشه عرفانی را عقلی منحرف می‌خواند که جهان اندیشه اسلامی را از مسیر مستقیم دور ساخته است. آن قدر که او به اندیشه عرفانی می‌تازد به علوم بیانی نمی‌تازد. در چهارچوب فکری وی علوم بیانی بیشتر بر عقل اهل سنت سایه افکنده و اندیشه عرفانی بر عقل شیعیان. غیرت شیعی مؤلف کتاب «عقلانیت شیعی» برنمی‌تافت که نقطه قوت اندیشه شیعی این‌طور مورد بی‌مهری قرار گیرد. بنابراین او سال‌ها در ذهنش با استدلال‌های جابری در کشاکش بود تا بدین صورت نگرش، روش و داده‌های او را مورد نقد قرار دهد.

از نظر دریاییگی صراط مستقیم و امت وسط، اهل بیت عصمت و طهارت‌اند که شیعیان به راهبری آنان از هرافراط و تقریبطی به‌دور هستند. قدم صدق و مشی معتدل در بهره‌مندی از ظاهر و باطن، عقل و شهود ویژگی بارز این مدرسه است. به بیان دکتر ادريس سماوی، استاد دانشگاه کلرادو آمریکا، شیعه وضعیتی نیست که بتوان یکباره بر آن دست یافت، بلکه فرآیندی است که با مرور زمان، مطالعه و افزایش معرفت قابل دسترسی است. دریاییگی می‌گوید: «اساساً صراع و تقابل من با جابری برای ورز یافتن اندیشه خودم بود. من از این بابت خشنودم.» ✚



حاکمیت
مرکزی ایران در
جنگ جهانی اول
اعلام بی‌طرفی
می‌کند اما این
بی‌طرفی از سوی
استعمارگران
نقض می‌شود و
متین السلطنه در
روزنامه حقیقت
(چاپ اسلامبول)
می‌نویسد:
«با وضعیت امروزه
و در حالی که
هیچ‌یک از دول
متحارب، رعایت
بی‌طرفی ما را
نمی‌کنند...»



صادق عبداللهی

فعال حوزه کتاب

در کتاب «میرزا کوچک خان و استعمارستیزی» یکی از مهم‌ترین درس‌های تاریخ به قلم «محمدامیر شیخ‌نوری» روایت شده است. هنگامی که یک نویسنده یا اندیشمند، در میان صفحه‌های تاریخ، درس مهمی را پیدا می‌کند و به مردمان متذکر می‌شود، در صورت قصور و بی‌توجهی مردمان، تاریخ دیگر تذکر نمی‌دهد؛ بلکه انتقام می‌گیرد.

این کتاب پیش از آن که متنی تاریخی-تحلیلی در مورد نهضت جنگل باشد، کتابی در مورد تحلیل استعمار در ایران است. تنها رابطه استعمارگر و استعمارشده، تسلط است. استعمارگر زندانبانی است که مراقب است تا استعمارشده از تلاش برای مقاصد استعمار دست بر ندارد. این تسلط بر دیگری، ره‌آورد تمدن جدید غرب است. نام تسلط بر طبیعت، تکنولوژی و نام تسلط بر دیگران، سیاست است؛ غرب ناگزیر از سلطه‌جویی است. در این رابطه تسلط، در سویی استعمارگر است و در سوی دیگر، مردمی هستند که در گ‌های آنان وحشت، عقده‌های حقارت، ترس و لرز و فرومایگی با مهارت تمام تزریق شده است. التیام چنین مردمی و بازگرداندن ارزش‌های انسانی به آنان و میدیدن شجاعت و امید در کالبدشان کار بسیار دشواری است. در دو قرن اخیر جنبش‌ها، قیام‌ها و مبارزه‌های زیادی در ایران شکل گرفته تا این مردم به سوی التیام کامل دردها و زخم‌های عمیق و کاری تاریخ خود نزدیک شوند؛ نهضت جنگل در شمال، تنگستانی‌ها در جنوب، شیخ محمد خیابانی در تبریز و کلنل محمدتقی‌خان پسیان در مشهد نمونه‌هایی از این جنبش‌هاست. در این کتاب، ماجرای میرزا کوچک خان یکی از تذکرهای تاریخ است که به گوش مخاطب می‌رسد؛ گویی نویسنده یک فیلم مستند با مدت زمان هشت سال را نمایش می‌دهد.

اولین ویژگی مهم این اثر، منبع‌شناسی آن است. با توجه به ارجاع به منابع، نویسنده اسناد و منابع ۱۰۰ سال گذشته در موضوع پژوهش خود را مشاهده کرده و رونوشت اسناد تاریخی و متن برخی اشعار مربوط به وقایع را در کتاب آورده است، بنابراین کتاب تصویر دقیق و قابل اعتمادی از شرایط منتهی به پدیداری نهضت جنگل به‌دست می‌دهد. وضعیت معیشت و اقتصاد، شکاف‌های سیاسی، فقدان امنیت و نیروی نظامی در خدمت امنیت، فقدان خردسیاسی حاکمیت وقت به‌علاوه نوع حضور استعمارگران و چگونگی تقابل‌شان با این شرایط، زندگی مردم را در وخامت و بحران قرار می‌دهد. در این میان کسانی مانند میرزا کوچک خان



با دو نیروی مسلمانی و وطن‌دوستی، قیام مسلحانه می‌کنند. کتاب، ابتدا مقدمات شکل‌گیری نهضت جنگل را بیان می‌کند و وضعیت ایران (به‌ویژه گیلان) را در آستانه جنگ جهانی اول شرح می‌دهد، سپس عوامل به‌وجود آمدن نهضت و شرایط تداوم و شکست آن را می‌کاود. طبق محاسبات چرچیل، دولت بریتانیا در مدت کوتاهی از نفت ایران ۴۰ میلیون لیره به جیب زده است. چرچیل در این زمان ایران را «سرزمین افسانه‌ای پریان» می‌داند که: «پاداشی آورده است که فراتر از درخشان‌ترین و بلندپروازانه‌ترین آرزوهای مان بوده است». این درآمد حاصل از نفت ایران بر اساس یک قرارداد همکاری دو جانبه نبود، بلکه از تسلط و دست‌اندازی بریتانیا بر تمامی شئون زندگی ملت خبر می‌دهد. پس از انعقاد قرارداد‌های گلستان و ترکمانچای، روس‌ها گیلان را متعلق به خود می‌دانستند. روس‌ها در تعرض و تجاوز به ابعاد مختلف زندگی مردم از هیچ کاری فروگذار نشدند و بیشتر مسئولان دولتی رشت نیز در سوی آنها ایستادند؛ این موضوع، رشت را آماده خروش کرد. به موجب گزارش رسمی کارگزاران رشت و انزلی، از ۲۷ ذی‌القعدة ۱۳۲۷ تا آخر ذی‌الحجه ۱۳۲۸ هـ ق ۲۱۰۰ تن قزاق و سالدات روسی برای سرکوب اعتراضات مردمی وارد رشت شد. کارگزاران روس حمل هر نوع سلاح از سوی مردم را قذغن کردند تا جایی که چاقوی قصایی‌ها، هر روز و شب با برگه رسید به آنان تحویل داده و پس گرفته می‌شد.

حاکمیت مرکزی ایران در جنگ جهانی اول اعلام بی‌طرفی می‌کند اما این بی‌طرفی از سوی استعمارگران نقض می‌شود و متین السلطنه در روزنامه حقیقت (چاپ اسلامبول) می‌نویسد: «با وضعیت امروزه و در حالی که هیچ‌یک از دول متحارب، رعایت بی‌طرفی ما را نمی‌کنند، اگر به این رویه مداومت نماییم، جز یک ملت بی‌حس و ملتی که در وقت مردن، آن تلاش آخری را نکرده و ملتی که پس از مردن از دوست و دشمن به یکسان بر او خواهند خندید، مسلماً به‌طوری دیگر در تاریخ دنیا معرفی نخواهیم شد». اعلان جهاد از سوی علمای اسلام با خطاب به تمامی فرقه‌های اسلامی و قیام افرادی مانند میرزا کوچک خان و تداوم و بزرگی این قیام‌ها در قرن اخیر، باعث شد که دوست و دشمن به مانند خود به‌طوری دیگر معرفی شویم. در میان یاران جنگل، نامی هست که ایرانی نیست اما در کنار سردار جنگل، مبارزه می‌کند و تنها کسی است که همراه با او می‌میرد. گائوک-افسری آلمانی در نهضت جنگل- نشان داد که حق طلبی و آزادخواهی در ورای تعلق به خاک و ذیل نام انسان و وجدان، چگونه ممکن است. در نهایت ما مردمی هستیم که باید جای خودمان را در مناسبات اکنون جهان پیدا کنیم. بدون فهم گذشته و شنیدن تذکر تاریخ، ممکن نیست از اکنون زندگی و تأخر تاریخی رهاشویم.

دفترچه ثبت ساعت پلیس‌راه به شماره ۳۹۵۰۱۰ به تاریخ صدور ۱۳۹۲/۰۵/۲۸ متعلق به آقای بهرام رحیمی بابا شیخ علی فرزند اسفندیار صادره از اهواز به شماره ملی ۱۷۵۵۶۸۸۷۳۳ مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سندکمپانی خودرو سواری پژو 405GLX XU7 مدل ۱۳۹۱ به رنگ نقره‌ای متالیک شماره انتظامی ایران ۵۳-۹۸۴ و ۷۲ شماره موتور 124K0006209 شماره شاسی NAAM01CA6CH392997 به‌نام محسن مظفری مظفرآبادی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ سبز و سندکمپانی خودرو سواری پژو ۲۰۶ هاج‌بک مدل ۱۳۸۴ رنگ خاکستری متالیک شماره انتظامی ایران ۶۷-۶۲۶ و ۱۳ شماره موتور 10FSS15231065 شماره شاسی 10802806 به‌نام علی رجیبی مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

کارت خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۵ به رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳-۳۹۹ و ۳۶ شماره موتور 1428627 شماره شاسی 51412285795502 به‌نام فریناز شیبانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمپانی، برگ سبز و بیمه‌نامه خودرو ام وی ام ۱۱۰ مدل ۸۵ رنگ اطلسی شماره پلاک ۳۱۵-۵۳ ایران ۴۶ شماره موتور MVM372FG6002680 شماره شاسی 1R84211002721 به‌نام زهرا مقدم مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کلیه مدارک شامل سند کمپانی، برگ سبز و کارت خودرو سواری سمند LX مدل ۱۳۸۹ به‌رنگ سفید روغنی شماره انتظامی ایران ۵۳-۶۷۲ و ۸۷ شماره موتور NAACA1C0AF221056 شماره شاسی 12489054356 به‌نام مجید بیکران بهشت مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند برگ سبز خودرو سایبا ۱۳۲ مدل ۹۴ رنگ سفید شماره پلاک ۹۴۹ ص ۱۴ بران ۴۶ شماره موتور 5390129 شماره شاسی NAS422100F1183763 به‌نام لیلا خدایاری کهنه گورابی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند برگ سبز پژو پارس مدل ۱۴۰۱ رنگ سفید شماره پلاک ۱۴۹ و ۵۸ ایران ۶۱ شماره موتور 125K0058998 شماره شاسی NAANA15EXNH922905 به‌نام مریم وهاب زاده مجارشین مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.